



سال هشتم / پاییز ۱۳۹۸

احساس ناامنی در تجربه زیسته زنان حاشیه‌نشین شهری

(مطالعه موردی: سکونتگاه‌های حاشیه‌ای جنوب شهرستان شهریار)

- حمید آورزمانی^۱
- حمیده صفائی نبات^۲

چکیده

احساس ناامنی امری نسبی است و برحسب زیست جهان اجتماعی کنشگران و تجربه زیسته آن‌ها متفاوت است. هدف این پژوهش واکاوی معنا، تجارب زیسته، زمینه‌ها، علل و پیامدهای احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین شهری است که بدین منظور با بهره‌گیری از روش‌شناسی کیفی، متد نظریه مبنایی، ابزار مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و روش نمونه‌گیری هدفمند با ۳۳ نفر از زنان شهرک محمدآباد واقع در جنوب شهرستان شهریار مصاحبه شد. داده‌های گردآوری شده پس از مراحل کدگذاری به جهت تفسیر معنا و تعیین شرایط علی، زمینه‌ها و پیامدهای احساس ناامنی زنان، مقوله‌بندی و تحلیل شد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که چهار نوع احساس ناامنی (جانی، روانی، منزلتی و اخلاقی) در تجربه زیسته زنان حاشیه‌نشین شهری وجود دارد. همچنین اختلال در شخصیت، اختلال توزیعی، اختلال نمادی به‌عنوان شرایط علی، عدم خوانایی فضا و شیء وارگی بدن زنانه به‌عنوان زمینه‌ها و فرسایش (ارتباطی و اجتماعی) به‌عنوان پیامد احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین شهری کشف شد.

واژگان کلیدی: احساس ناامنی زنان، حاشیه‌نشینی شهری، اختلال توزیعی و نمادی، عدم خوانایی

فضا، فرسایش.

۱ دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی، تهران
h.zamani1362@yahoo.com

۲ دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی، تهران
hamideh.safae@yahoo.com

مقدمه

برداشت و تلقی غالب از مفهوم امنیت در اغلب متون نظری و تجربی ناظر بر نفی عینی و ذهنی انواع تهدید، ترس و عوامل موجد آن‌هاست. با وجود این مفهوم امنیت، پویا، چندبعدی و در سطوح متفاوتی قابل بحث و بررسی است. ساروخانی (۱۳۸۵) امنیت را دارای دو وجه فقدان خطر و کسب فرصت‌ها، تضمین منافع و ارزش‌ها می‌داند (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۸۸). برخی دیگر از محققان برآنند که مفهوم امنیت دارای دو سطح عینی و ذهنی است که در سطح عینی فقدان تهدید و در سطح ذهنی عدم احساس ترس و ناامنی قرار دارند (نابیی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۶، هاشمیان فر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۰). امنیت در سطوح عینی و ذهنی دارای ۴ بُعد ابزاری، دستوری، تعاملی و معرفتی است^۱. در سطح عینی می‌توان به امنیت مالی/فراغت از تهدید مالی، امنیت جانی/فراغت از تهدید جانی، امنیت جمعی/فراغت از تهدید جمعی و امنیت فکری/فراغت از تهدید فکری اشاره کرد (چلبی، ۱۳۹۰: ۱۰۷). همچنین در سطح ذهنی هم می‌توان به احساس امنیت جسمی/فراغت از تهدید جسمی، احساس امنیت روانی/فراغت از تهدید روانی، احساس امنیت منزلتی/فراغت از تهدید منزلتی و احساس امنیت اخلاقی/فراغت از تهدید اخلاقی اذعان کرد.

سطوح عینی و ذهنی امنیت دارای ارتباط بایسته و پیوسته است؛ لیکن تا چند دهه اخیر از سطوح ذهنی امنیت غفلت شده و بیشتر به ابعاد بیرونی امنیت پرداخته شده است. از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی احساس امنیت مدنظر قرار گرفت و مقوله امنیت از واقعیت عینی و بیرونی به مثابه امری سیاسی و دولتی به حق شخصی تغییر یافت؛ در حالیکه در دهه ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۷ جدال بر سر گستره وقوع جرم بود در دهه‌های بعدی جدال بر احساس ترس از جرم بود. از دهه ۱۹۸۰ به بعد یک روند تدریجی برای سنجش احساس امنیت بر مبنای آموزش پیشگیری از جرم در ایالات متحده آمریکا و سراسر اروپای غربی شکل گرفت (Hutta, ۲۰۰۹: ۲۵۴). این تجربه تاریخی گویای آن است که نادیده انگاشتن دلالت و درک ذهنی کنشگران در معرفت علمی نسبت به مقوله امنیت مطلوب و مقبول نیست چرا که کنشگران با مراجعه به ذهنیت فردی و تاریخی خود به کنش می‌پردازند (قادرزاده و خزایی، ۱۳۹۳: ۴۰۶).

۱ این تقسیم‌بندی براساس نظریه نظم چلبی صورت گرفته است.

البته بدیهی است که احساس امنیت/ناامنی امری نسبی است و برحسب زیست جهان اجتماعی کنشگران و تجربه زیسته آن‌ها در فضا متفاوت است، در همین راستا شواهد تجربی و نظری فراوانی موکد آن است که نوع و میزان احساس امنیت بر مبنای فضای اجتماعی تغییرات زیادی می‌نماید. دیوید چپمن معتقد است که خصوصیات کالبدی فضاها، مستعد تأثیرگذاری بر رفتار هستند و معمولاً زمانی تأثیرگذارتر هستند که به روشنی تعریف شده باشند. وی فضای شهری تعریف شده را دارای ویژگی‌های توالی، تنوع، شگفتی، مجرد بودن و احساس محصوریت می‌داند تا بتواند امنیت و احساس امنیت ایجاد کند (چپمن به نقل از نایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۰۳). میران میتار معتقد است که امنیت اجتماعی براساس عوامل جمعیت، اطلاعات، فضا، تکنولوژی و سازمان متفاوت است. به عبارت دیگر هر گروه اجتماعی که از عوامل فوق بهره‌مندی بیشتری داشته باشند احساس امنیت اجتماعی بیشتری خواهند داشت (حاتمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۸). همچنین ساروخانی معتقد است که احساس امنیت بر حسب منطقه سکونت دارای خاصیت تفاضلی است چنانچه احساس امنیت مالی و عاطفی در مناطق شمالی تهران و احساس امنیت شغلی و جانی در مناطق جنوبی تهران از سایر مناطق کمتر است (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳). از اینرو می‌توان گفت امنیت اجتماعی براساخته از فضای اجتماعی است (فاضلیان، ۱۳۸۹: ۷۲).

سکونتگاه‌های فقیر^۱ یا آنچه که حاشیه‌نشینی نامیده می‌شود، از جمله فضاهای اجتماعی بی‌دفاع و با آسیب‌پذیری بالاست که محصول توسعه ناموزون و نامتعادل شهری با دلالت‌های فرهنگی اجتماعی خاص و مرتبط با موقعیت ذهنی و روانی ساکنین آن است. بر این اساس وضعیت حاشیه‌نشینی آنگونه که رابرت پارک بیان می‌دارد، شرایطی است برزخ‌گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می‌آورد. به اعتقاد وی تجربه چنین شرایط بحرانی موجب شخصیت متمایزی برای فرد می‌شود. در اغلب موارد چنین فردی در برابر برخورد فرهنگ‌ها، حالت کناره‌گیری از خود نشان می‌دهد و نمی‌تواند در متن جامعه با عقیده راسخ به فعالیت خویش ادامه دهد (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۱۹). تجربه زیست در این فضا به دلیل بافت چند قومیتی، ساخت جمعیتی جوان و اغلب بی‌سواد، وجود خرده‌فرهنگ‌های خاص،

۱ بهرامی معتقد است آنچه امروز حاشیه‌نشینی خوانده می‌شود در جوامع کهنسال و دارای قدمت سکونتگاه‌های فقیر قلمداد می‌شده است (بهرامی، ۱۳۸۸: ۵۹).

مسائل اقتصادی، امکانات رفاهی حداقلی، افزایش تراکم جمعیت و... پر از احساس محرومیت نسبی است که مستعد انواع انحرافات و کجروی‌های اجتماعی است. از این‌رو مارشال کلینارد معتقد است حاشیه‌نشینی مسئله و عارضه‌ای شهری است و منشأ عمده بزهکاری و جرم است (صالحی امیری و خدایی، ۱۳۸۹: ۲۲۲).

جنسیت به مثابه امری اجتماعی و فرهنگی در درک امنیت عاملی محوری محسوب می‌شود (قادرزاده و خزایی، ۱۳۹۳: ۴۰۶). زنان به دلیل موقعیت فرودستی و به دلیل تابوهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی، تجارب متفاوتی از احساس امنیت دارند. مطالعات متعددی از جمله پژوهش استانکو نشان می‌دهد که در ایالات متحده آمریکا ترس از وقوع جرم در زنان سه برابر بیشتر از مردان است (احمدی و کلدی، ۱۳۹۲: ۳۰۷). یا بیش از نیمی از زنان کانادا هنگام پیاده‌روی تنها، در مناطق تاریک شهری احساس ناامنی شدیدی می‌کنند (Macmillan & etal، ۲۰۰۰: ۳۰۶) و این احساس ناامنی در میان زنان حاشیه‌نشین مضاعف است. زنان حاشیه‌نشین در سطح کلان به دلیل فشارهای ساختاری، مضایق و تحدید فرصت‌ها و انگاره‌های نامطلوب فرهنگی، احساس ناامنی در منزلت و هویت و در سطح خرد به دلیل عدم رشد شخصیت، پیش‌بینی‌ناپذیری رفتار افراد و... احساس ناامنی جنسی، جسمی و روانی بیشتری خواهند داشت.

بنابراین مطالعه و بررسی تجارب زیسته زنان حاشیه‌نشین شهری در باب ناامنی به دلیل وجود چالش‌ها و معضلات فراوان مربوطه در خور توجه و تعمق است. بدین منظور این مقاله با هدف واکاوی معنا، تجارب زیسته، بسترها، زمینه‌ها، دلالت‌های اجتماعی احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین شهری و پیامدهای آن با تأکید بر پاسخگویی به سؤالات زیر تدوین شده است:

- ۱- معانی ذهنی شکل گرفته از احساس ناامنی در نزد زنان حاشیه‌نشین شهری چیست و درک آنان از احساس امنیت با توجه به تجارب زیسته خویش چگونه است؟
- ۲- زمینه‌ها و علل اجتماعی احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین شهری چیست؟
- ۳- پیامدهای این احساس ناامنی چه می‌تواند باشد؟

در این راستا پیش از پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته

در این حوزه مرور و ارزیابی می‌شوند:

- آنا تیم پیریو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین محیط اجتماعی محله و فعالیت‌های بدنی (پیاده‌روی) زنان مناطق محروم کشور استرالیا در زمان اوقات فراغت و اینکه این موارد در رابطه با درک احساس امنیت چه نسبتی دارند با روش پیمایش در نمونه‌ای بالغ بر ۳ هزار و ۷۸۴ نفر زن ۱۸ تا ۴۵ سال، چنین نتیجه می‌گیرند که اولاً ترس ناشی از قربانی شدن در میان زنان مناطق محروم فراگیر است و ثانیاً اینکه درک احساس امنیت به میزان ۰/۸۶ میانجی روابط بین محیط اجتماعی محل و فعالیت‌های بدنی زنان در اوقات فراغت محسوب می‌شود (Timperio & etal, ۲۰۱۵).

- روز مک میلان و همکاران (۲۰۰۰) پژوهشی با مضمون آزار و ادراک امنیت در میان زنان، تجربه در خیابان‌های کشور کانادا با روش تحلیل ثانویه از داده‌های ملی بر روی بیش از ۱۲ هزار نفر از زنان بالای ۱۸ سال انجام داد که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ادراک امنیت در میان زنان به میزان زیادی با ترس از قربانی شدن جنسی و به‌ویژه از سوی غریبه‌ها رابطه دارد (Macmillan & etal, ۲۰۰۰).

- در پژوهش دیگری که توسط جمال محمدی و همکاران در سال (۱۳۹۵) با عنوان تجربه احساس ناامنی زنان در فضای شهری صورت گرفت، محققین با هدف واکاوی بسترها، دلایل و پیامدهای احساس ناامنی زنان شهر سنندج با روش تحلیل کیفی چنین نتیجه می‌گیرند که احساس ناامنی زنان در فضای شهری سنندج محصول عوامل اثرگذاری همچون تنش‌های ساختاری، جامعه‌هراسی و برخی شرایط تسهیل‌کننده مثل اماکن پر برخورد و بازنمای خود است که پیامد این احساس ناامنی شیوع و تشدید زوال اعتماد اجتماعی است (محمدی و دیگران، ۱۳۹۵).

- یافته‌های پژوهش تجربی صورت گرفته توسط قادرزاده و خزایی در سال (۱۳۹۳) در مورد دلالت معنایی احساس ناامنی زنان در فضای عمومی ناظر بر این است که آزار جنسی، ترس از بدنامی و جامعه‌پذیری جنسیتی به‌منزله شرایط علی احساس ناامنی، جنسیتی شدن فضا به‌منزله زمینه، شیء وارگی بدن زنان به‌منزله شرایط مداخله‌گر و استراتژی‌های کتمان و گریز به‌عنوان راه‌حل گریز از احساس ناامنی است. همچنین براساس این مطالعه، تجربه ناامنی در فضای عمومی، بی‌اعتمادی، نهادینه شدن ترس و انزوای اجتماعی را در پی دارد (قادرزاده و خزایی، ۱۳۹۳).

- پژوهش دیگری که توسط اباذری و دیگران در سال (۱۳۸۷) با عنوان «احساس ناامنی از تجربه زنانه در زندگی روزمره» با رویکرد کیفی و مصاحبه عمیق با ۴۰ نفر از زنان انجام گرفت، مؤید آن است که احساس ناامنی و ترس از تجاوز در میان زنان وجود دارد. همچنین یک تیپولوژی پنج‌گانه از هراس‌های زنان و نحوه اندیشیدن و عملکرد زنان ارائه شده است (اباذری و دیگران، ۱۳۸۷).

ادبیات نظری

در پژوهش‌های کیفی باید از ادبیات نظری و تجربی برای افزودن اطلاعات زمینه‌ای به داده‌ها، مقایسه و تعمیم‌یافته‌ها استفاده کرد (فلیک، ۱۳۹۲: ۶۴). با توجه به چند سطحی و چندبعدی بودن موضوع، ادبیات نظری، باید با ترکیب و تلفیق چند رویکرد نظری اقامه شود. این رویکردها باید در مورد (۱) ابعاد مفهومی احساس ناامنی به صورت عام و احساس ناامنی زنان به صورت خاص (۲) دلایل و علل مؤثر این ناامنی در زنان حاشیه‌نشین شهری (۳) توضیح شرایط و بسترهای دخیل در این امر و (۴) پیامدهای آن، بنیان‌های تحلیلی برای افزودن اطلاعات زمینه‌ای ارائه کنند.

در مورد مفهوم فقدان احساس امنیت و ابعاد آن به صورت عام، رویکرد نظریه نظم پارسونز با خوانش چلبی و به صورت خاص نظریه فمینیستی، در مورد دلایل و علل مؤثر از الگوی تحلیلی نظریه فقر شهری، عدم ادخال اجتماعی و نابرابری فضایی، در مورد توضیح شرایط و بسترهای دخیل از مفاهیم تئوری کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری جنسیتی و در مورد پیامدهای آن به نظریه اضطراب و کژرفتاری عمومی اشاره می‌شود.

مسئله اساسی نظریه تحلیلی کنش پارسونز، مسئله نظم اجتماعی است (چلبی، ۱۳۹۱: ۱۴) که امنیت و احساس امنیت از مشتقات آن به شمار می‌روند. از دیدگاه نظریه پارسونز در هر سیستم/نظامی ۴ نظام کنش (ارگانیسم رفتاری، نظام شخصیت، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی) وجود دارند که با ۴ ضرورت کارکردی (سازگاری و تغییر با محیط، دستیابی به هدف، یکپارچگی اجزاء و تأمین هنجارها) و ۴ ساختار یا خرده نظام (اقتصاد، سیاست، اجتماع جامعگی و نظام امانی) ارتباط دارند (ریتزر، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۴۸). از این منظر اگر امنیت (در سطوح ذهنی و عینی) به مثابه نظم اجتماعی تعریف شود باید ۴ بُعد ابزاری، دستوری، تعاملی و

معرفتی را برای آن متصور شد. بر این اساس احساس امنیت براساس نظام کنش و ضرورت‌های کارکردی آن را می‌توان به صورت احساس امنیت جسمی، احساس امنیت روانی، احساس امنیت منزلتی و اخلاقی متضمن احساس ناامنی خواهد بود. از این رو هرگونه تهدید جانی، روانی، منزلت و آبرو و اخلاقی متضمن احساس ناامنی خواهد بود. از نقطه نظر، تئوری نظم اجتماعی، احساس ناامنی ناشی از غلبه روابط تعاملی ابزاری بر اظهاری در فضای زیست شهری و اختلال در مفاهیم فرهنگی جنسیتی است.

به صورت خاص، ترس و احساس ناامنی زنان، در قالب مناسبات جنسیتی قدرت و اسطوره‌هایی درباره امنیت زنان در جامعه و مکان‌های عمومی استوار است (قادرزاده و خزایی، ۱۳۹۳: ۴۰۸). فضاهای عمومی شهری اغلب جنسیت زده‌اند و بازتولید کننده نظم ناهمسان جنسیتی است، بنابراین برای زنان تجربه کردن فضاهای شهری به طرز جدایی‌ناپذیر با تجربه احساس ناامنی پیوند خورده است. سیطره نشانه‌ها، ایماژها و گفتارهای مردانه بر فضای شهری، برای زنان یک منبع تهدید و اضطراب به شمار می‌آید (محمدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸). به نظر میشل باندز زنان کل زندگی شخصی و اجتماعی خود را به نحو متمایزی از مردان تجربه می‌کنند، آن‌ها در بسیار از مراحل و موقعیت‌های زندگی با احساس هراس از مواجهه با دنیای مردانه برخورد می‌کنند (اباذری و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۷).

رویکرد نظری عمده که به علل ناامنی در بافت‌های حاشیه‌نشین شهری توجه دارد، نابرابری فضایی است. این گونه از نابرابری، توزیع نابرابر فرصت‌ها و مواضع اجتماعی در فضا است. نابرابری فضایی یا منطقه‌ای در هر جامعه‌ای می‌تواند جلوه‌های مختلفی به خود بگیرد. اشکال قابل رؤیت آن در کشورهای در حال توسعه عبارت است از: نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، بین مناطق محروم و مناطق برخوردار و غیره (چلبی، ۱۳۹۱: ۲۰۱). نابرابری فضایی از دیدگاه اغلب رهیافت‌های متأثر از نابرابری، ناشی از عملکرد بازار سرمایه‌داری و الزامات انباشت سرمایه است. این نابرابری موجبات تراکم جغرافیایی فقر و محرومیت را فراهم می‌سازد و علاوه بر آن از طریق تضعیف انسجام فضایی، انسجام جامعه را تضعیف می‌کند. بر این مبنا نابرابری فضایی منجر به بروز فقر [شهری] و حاشیه‌نشینی می‌شود (همان: ۲۲۱).

رویکرد فقر شهری چنین استدلال می‌کند که سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی فضای شهری بر روی پیوندهای اجتماعی ساکنان تأثیر می‌گذارد. براساس این دیدگاه، ساکنان مناطق

محروم اغلب به دلیل انتخاب محدود به درون مرزهای محدود [اغلب حاشیه‌ای] و مشخص عقب‌نشینی می‌کنند که این امر به تضعیف روابط فرامحلی می‌انجامد (چلبی، ۱۳۹۰: ۲۸۷). از سوی دیگر تضعیف روابط فرامحلی منجر به عدم ادخال اجتماعی می‌شود. ادخال اجتماعی یکی از لوازم مهم نظم اجتماعی جوامع معاصر است (چلبی، ۱۳۹۱: ۱۶۰). این مفهوم ناظر بر فراگرد توسعه اجتماعی است که در معنای محدود کلمه همان توسعه شبکه چندگانه روابط اجتماعی و ادخال فزاینده غریبه‌ها در اجتماع جامعه‌ای است. در این فرایند اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم می‌پذیرد، غیر خودی دشمن بالقوه تلقی نمی‌شود و در بعد عاطفی این آمادگی افزایش می‌یابد که هر غیر خودی بتواند سهم مثبتی در عرصه روابط و همکاری اجتماع ایفا کند (همان: ۱۹۶-۱۹۷). در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای شهر به دلیل بافت چند قومیتی، پیوندهای قومی نیرومند و وجود خرده‌فرهنگ‌های خاص در هر قوم، عدم ادخال اجتماعی، ضعف پیوندهای اجتماعی و اعتماد اجتماعی بین ساکنان سکونتگاه‌های حاشیه‌ای با یکدیگر و با ساکنان شهر مشهود است. بنابراین به تعبیر چلبی، تضعیف پیوند و اعتماد اجتماعی که خود ریشه در سیاسی شده نظم اجتماعی دارد از دلایل ناامنی تلقی می‌شود (خالد و محمدیان، ۱۳۹۲: ۵۹).

در باب شرایط و بسترهای مداخله‌گر در زمینه ناامنی زنان می‌توان براساس نظریه کنترل اجتماعی چنین گمانه‌زنی کرد که برای تأمین احساس امنیت باید رفتار اجتماعی الگو شده‌ای را از طریق [مکانیزم] فراگرد اجتماعی شدن و به کمک نظارت اجتماعی به اعضای جامعه تلقین یا تحمیل کرد. بر طبق این نظریه، کنترل و نظارت اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل مهم اجتماعی شدن و هم‌نوایی با جامعه باشد (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۳۶). بنابراین فقدان نظام کنترل رسمی و غیررسمی از سوی نهادهای دخیل و همچنین عدم جامعه‌پذیری مناسب زنان در فضای محروم شهری می‌تواند بستری برای ناامنی به وجود آورد.

همچنین از زاویه نظریه جامعه‌پذیری جنسیت، فرایند جامعه‌پذیری، گرایش‌ها و هویت جنسی را به فرزندان انتقال می‌دهد که براین مبنا معمولاً از زنان تصویر آرام، مطیع، منفعل، عاطفی و وابسته و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم ترسیم می‌کند و در چنین شرایطی زنان نقش جنسیتی سنتی مطیع و منفعل را می‌پذیرند (آزاده و دهقان فرد، ۱۳۸۵: ۱۶۱) که می‌تواند در قوت بخشیدن ترس و ناامنی در فضای عمومی مؤثر باشد.

در مورد پیامدهای فقدان احساس امنیت چلبی معتقد است که با کاهش احساس امنیت، اضطراب افزایش می‌یابد و اضطراب حاصله با سازوکارهای مختلف تولید کثرتاری می‌کند. اضطراب ناشی از ناامنی در صورت مزمن شدن، سبب اختلال روانی می‌شود و این خود ممکن است احتمال رفتارهای ضداجتماعی را ورای گروه‌های اولیه افزایش دهد (چلبی، ۱۳۹۰: ۱۰۸). سطح نظام هیجانی (تحریکی) فردی که دچار اضطراب مزمن است، همیشه در حالت فعال (حالت ناآرامی) باقی می‌ماند؛ یعنی نظام تسکین شخص قادر نیست در حالت معمولی، نظام هیجانی را خاموش سازد و فرد را به آرامش برساند. چنین فردی برای کاهش اضطراب خود حداقل سه گزینه در اختیار دارد: نخست استفاده از داروهای آرام‌بخش تحت نظارت پزشک، دوم استفاده از مواد مخدر برای کسب آرامش مصنوعی و سوم تقویت پیوندهای عاطفی (دلبستگی) به دیگران خاص (گروه‌های اولیه) و افراطی‌گری در جمع‌گرایی خاص‌گرایانه معطوف به قدرت.

اضطراب اجتماعی و ترس از دیگران که ناشی از فقدان امنیت و وجود استبداد در سطوح مختلف است، موجب می‌شود که کنشگران اجتماعی مهم‌ترین هنجار اجتماعی؛ یعنی هنجار صداقت را، که تقریباً در تمامی نظام‌های اخلاقی عضویت محوری دارد، نقض کنند. نقض این هنجار چیزی جز دروغ‌گویی نیست. با شیوع دروغ‌گویی و ریاکاری در جامعه، میزان عدم تعین اجتماعی نقصان اطلاعاتی افزایش می‌یابد و همزمان اعتمادپذیری و رفتار اعتمادکنندگی کنشگران اجتماعی نسبت به یکدیگر و جمع کم می‌شود. همراه با آن، پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران (اعم از کنشگران فردی و جمعی) کاهش و در همان حال میزان شایعه‌پراکنی افزایش می‌یابد. با کاهش پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران، میزان همکاری و تعاون اجتماعی و کنش استراتژیک کاهش می‌یابد.

علاوه بر آن، در غیاب امنیت و شیوع اضطرابات اجتماعی، تحریک حسی از توان سطح شناختی افراد کم‌وبیش خارج و «نیروهای زیستی» به جامعه «سرریز» می‌شوند. با سرریز شدن نیروهای زیستی به درون جامعه، جو جامعه ملتهب و حسی می‌شود و افراد به جای عقلانی عمل کردن، حسی عمل می‌کنند.

از دیگر پیامدهای احساس ناامنی، انزوای اجتماعی است. به تعبیر چلبی، وجود هر نوع تهدید بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد و موجب کناره‌گیری از تعاملات اجتماعی می‌شود. به

عبارت دیگر هنگامی که افراد با محیط‌های تهدیدکننده مواجه هستند، ممکن است واکنش‌های مختلف از خود نشان دهند، از جمله عدم اطمینان به دیگران، دوری جستن از مکان‌های خاص، اخذ تدابیر حفاظتی، تغییر فعالیت‌های روزمره، کاهش مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و... (همان: ۲۹۰).

روش‌شناسی

روش‌شناسی پژوهش حاضر کیفی است. در این راستا روش نظریه مبنایی برای اجرای عملیات تحقیق و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. این روش با به‌کارگیری رویه‌های مشخص دستیابی به نظریه آزمایشی، مبتنی بر داده، را هدف قرار می‌دهد و در این زمینه از منطق استقرایی تبعیت می‌کند. در این روش مفاهیم و مقوله‌ها و گزاره‌های نظری اجزای اصلی نظریه مبنایی را تشکیل می‌دهند (اشتراوس و کوربین به نقل از صادقی فسایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۹۶).

روش نمونه‌گیری، به شیوه هدفمند بوده است و در تعیین حجم نمونه دو ملاک رسیدن به نقطه اشباع نظری و تنوع مبنای کار بوده است. تکنیک گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساخت-یافته است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش زنان ۲۰ سال به بالای شهرک حاشیه محمدآباد واقع در جنوب شهرستان شهریار است که پس از ۳۳ مصاحبه، اشباع داده حاصل شد. به لحاظ توزیع مکانی، فرایند مصاحبه در منزل مشارکت‌کنندگان، دارالقرآن محل، مساجد، آرایشگاه‌های زنانه و باشگاه ورزشی، پس از انجام فرایند آشنایی و اعتمادسازی صورت گرفته است.

روش تحلیل داده‌ها، تفسیری و بر پایه فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. کدگذاری باز، قصد دارد تا داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم درآورد. به این منظور ابتدا، داده‌ها از هم مجزا (تقطیع) می‌شوند. عبارت‌ها (کلمات منفرد یا مجموعه‌ای کوچک از چند کلمه) براساس واحدهای معنایی دسته‌بندی می‌شوند تا تعلیقات و مفاهیم (کدها) به آن‌ها ضمیمه شوند (فلیک، ۱۳۹۲: ۳۳۰).

کدگذاری محوری، پالایش و تفکیک مقوله‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری باز است. از میان انبوه مقوله‌های به وجود آمده در مرحله کدگذاری باز، آن‌هایی که به نظر می‌آید بیش از سایر مقولات در مراحل بعدی به کار می‌آیند، انتخاب می‌شوند (همان: ۳۳۵). کدگذاری گزینشی، که

سومین مرحله کدگذاری است، کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود (همان: ۳۳۷). برای ارزیابی اعتبار و پایایی یافته‌ها، از اصول و معیارهای کیفی استفاده شده است. برای مبحث اعتبار با استفاده از راهبرد چندضلعی سازی یعنی اتفاق‌نظر در خصوص یک یافته خاص با استفاده از ترکیب‌بندی انواع روش‌ها، نظریه‌ها و داده‌ها، ارزیابی صورت گرفت (محمدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳). همچنین در مورد قابلیت اعتماد کیفی، ابتدا بر اشباع نظری تکیه شد؛ علاوه بر این، در پارادایم کلی نگرانه- استقرایی، روایی کامل، پایایی کامل را نیز در بر می‌گیرد (دانایی فرد و مظفری، ۱۳۸۷). با این وجود، برای آنکه پژوهش تکرارپذیر باشد، روش‌های بازبینی در زمان کدگذاری، مراجعه به مشارکت‌کنندگان برای تأیید نتایج و کفایت منابع مورد ارجاع به‌عنوان روش‌های مقوم پایایی بکار گرفته شد.

مشخصات مصاحبه‌شوندگان

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ۳۳ نفر از زنان ساکن شهرک حاشیه‌ای محمدآباد واقع در جنوب شهرستان شهریار هستند که از این تعداد ۱۴ نفر مجرد (۴۲/۴٪)، ۱۶ نفر متأهل (۴۸/۵٪) و ۳ نفر همسر از دست داده (۰/۰۹٪) هستند. به لحاظ سن، بین ۲۰ تا ۵۸ سال که میانگین سنی آن‌ها ۳۲ سال است که ۱۷ نفر (۵۱/۵٪) از آن‌ها دارای فرزند و ۱۶ نفر (۴۲/۴٪) هم فاقد فرزندند.

از نظر سطح سواد ۵ نفر (۱۵/۵٪) کاملاً بی‌سواد، ۶ نفر (۱۸/۱٪) سواد ابتدایی، ۱۰ نفر (۳۰/۳٪) تا مقطع راهنمایی، ۸ نفر (۲۴/۲٪) دیپلمه، ۳ نفر (۰/۰۹٪) لیسانس و ۱ نفر (۰/۰۳٪) هم فوق‌لیسانس و از نظر وضع فعالیت اجتماعی هم ۱۸ نفر (۵۴/۵٪) خانه‌دار، ۱۰ نفر (۳۰/۳٪) شاغل و ۵ نفر (۱۵/۲٪) هم دانشجو هستند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، نتایج تحلیل داده‌ها براساس مراحل سه‌گانه کدگذاری ارائه می‌شود. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل خرد و سطر به سطر صورت گرفت. پس از انتزاع مفاهیم از گزاره‌ها، آن‌ها با یکدیگر مقایسه و مفاهیم مرتبط با عنوان یک مقوله اصلی و هسته‌ای در چند محور: بررسی معنا

و مفهوم از نگاه سوژه، شرایط علی، شرایط و بسترهای مداخله‌گر، تسهیل‌کننده و پیامدهای آن تلخیص و طبقه‌بندی می‌شوند و در نهایت به سؤالات تحقیق پاسخ داده خواهد شد.

الف) معانی ذهنی شکل گرفته از احساس ناامنی در زنان

برای پاسخگویی به پرسش «معانی ذهنی شکل گرفته از احساس ناامنی در نزد زنان حاشیه‌نشین شهری چیست و درک آنان از احساس امنیت با توجه به تجارب زیسته خویش چگونه است؟» کندوکاو‌هایی پیرامون روایت‌های اظهار شده زنان صورت گرفت.

معنا و مفهوم احساس ناامنی از خلال روایت ۳۳ نفر از زنان حاشیه‌نشین شهری، حول ۱۴ کلیدواژه در ذهن مشارکت‌کنندگان (کد باز) حاصل شده است. براین اساس ناامنی، ترس از: تجاوز و تعدی جنسی، توهین کلامی، کتک خوردن، از دست دادن آبرو، شکسته شدن حریم‌ها، انگ خوردن، زورگیری، ورود به منزل با زور، حادثه یا اتفاق ناگوار برای فرزندان، تخریب شخصیت، حمله توسط سلاح، عدم حضور با پوشش دلخواه، محروم شدن از فرصت‌ها، افکار بد دیگران، تعریف شده است.

جدول ۱. معانی ذهنی زنان از احساس ناامنی

مقوله هسته‌ای	مقوله‌ها	فراوانی	تقلیل مفاهیم متمرکز
احساس ناامنی انضمامی ^۱	احساس ناامنی جسمی (جانی)	۳۰ مرتبه	تجاوز و تعدی جنسی
		۱۸ مرتبه	حمله توسط سلاح
		۸ مرتبه	کتک خوردن
		۲۱ مرتبه	زورگیری
		۱۱ مرتبه	ورود به منزل به زور
		احساس ناامنی روانی	۲۳ مرتبه
	۱۴ مرتبه		حادثه برای فرزند
	۵ مرتبه		تخریب شخصیت
	۱۶ مرتبه		انگ خوردن
	۶ مرتبه		عدم حضور با پوشش دلخواه
	احساس ناامنی منزلتی	۱۳ مرتبه	از دست دادن آبرو
		۴ مرتبه	محروم شدن از فرصت‌ها
	احساس ناامنی اخلاقی	۸ مرتبه	شکسته شدن حریم‌ها
		۱۲ مرتبه	افکار بد دیگران

۱ انضمامی در مقابل انتزاعی؛ به معنای پیوسته و مربوط به زمان و مکان خاص. برخلاف انتزاعی که گسسته، مجرد و مربوط به امور فرامکانی و فرازمانی است.

۱) احساس ناامنی جسمی

احساس ناامنی جسمی، طیف گسترده‌ای از مفاهیم را شامل می‌شود و مصادیق متعددی می‌توان به آن نسبت داد. احساس ناامنی جسمی، واکنشی احساسی به بارزترین وجه خشونت یعنی خشونت فیزیکی است. هرگونه تهاجم فیزیکی علیه هستی انسان که از روی قصد و با انگیزه آسیب، رنج و لطمه [جسمی] همراه باشد (آزاده و دهقان فرد، ۱۳۸۵: ۱۶۶) خشونت فیزیکی تلقی می‌شود که احساس ناشی از آن در فرد قربانی، احساس ترس جانی خواهد بود.

این بُعد از احساس ناامنی در میان زنان حاشیه‌نشین شهری با توجه به میزان فراوانی حاصل شده از روایت‌های آن‌ها بسیار گسترده و حائز اهمیت است.

«توی این منطقه اینقدر ولگرد و معتاد وجود داره که برای یه ذره مواد، حاضرن آدم بکشن... همین چند وقت پیش یکی از همین ولگردها، برای اینکه خرج عملش رو در بیاره، حمله کرده گوشواره بچه همسایه را کنده برده» (ز.ش ۲۸ ساله خانه‌دار).

روایت‌های دیگری با مضمون اعمال آسیب جسمی و ایجاد احساس ناامنی توسط سوژه چنین بیان شده‌اند:

«حوالی غروب که رفته بودم نان بخرم، نرسیده به سر کوچه دو تا موتورسوار به من حمله کردن، یک نفرشون سریع از موتور پیاده شد دستش رو گذاشت روی دهنم که صدام درنیاد... فکر می‌کردن طلا دارم ... بهشون گفتم طلا ندارم... محکم منو به دیوار کوبید... سریع سوار شدن رفتن... تا چند روز می‌ترسیدم از خونه خارج بشم» (ر.ص ۵۰ ساله خانه‌دار).

«قبلاً که خونمون پشت پارک بود خیلی اذیت می‌شدم. یادمه یه روز بعد از برگشتن از دانشگاه، توی همین پارک چند تا از همین آدم‌های بی‌سروپا، دنبالم کردن و یکیشون چند بار بدنمو لمس کرد» (م.م ۲۴ ساله دانشجو).

«چند سال پیش چند نفر با اسلحه، طلافروشی ... را خالی کردن و یکی از طلافروش‌ها رو هم کشتن. مغازه من تقریباً روبروی طلافروشیه، به قدری این منظره ترسناک بود که تا چند روز هیچ‌کس از کسبه محل، جرئت نمی‌کرد بیاد در مغازه» (ش.ق ۳۸ ساله آرایشگر).

آر کلارک معتقد است در برخی از شرایط و موقعیت‌ها امکان بروز رفتارهای خشونت‌آمیز بیشتر است؛ خیابان‌های مناطق فقیرنشین، مکان‌های فاقد گشت پلیس، مکان‌های مخروبه و متروکه، کوچه‌ها و خیابان‌های تاریک و خلوت، خانه‌های خالی، مکان‌هایی که سابقه خشونت و

وندالیسم در آن‌ها وجود داشته و بالاخره اشیاء و موضوعاتی که قبلاً در معرض تخریب قرار گرفته‌اند امکان بیشتری برای بروز رفتارهای خشونت‌آمیز دارند (نائبی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۳).

۲) احساس ناامنی روانی

علاوه بر ابعاد جسمی و فیزیکی، احساس ناامنی در مورد ابعاد روانی نیز بسیار شایع است. این احساس در پی اعمال خشونت روانی صورت می‌گیرد، گونه‌ای از [کژ] رفتاری که شرافت و اعتمادبه‌نفس زن را خدشه‌دار می‌کند (میرزایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۸۰). این کژ رفتاری به صورت توهین کلامی، تحقیر، تمسخر، فحاشی، تخریب شخصیت و تهدیدهای مداوم اعمال می‌شود. تجارب زیسته زنان حاشیه‌نشین حاکی از گستره وسیع این احساس در میان آن‌هاست:

«بعد از جواب رد دادن به خواستگارم که از اهالی همین محل هستن، بعد از ظهرها وقتی که از سرکار میام از سر کوچه شون که رد میشم، خواهر برادرهای کوچیکترش، بهم فحش میدن، برام شعر درست کردن... واقعا که میخام از خجالت بمیرم» (س، ۲۶ ساله کارمند).
 «اینجا اصلاً جرئت نمی‌کنی به مانتوی رنگی بپوشی... یه بار که مانتوی رنگی پوشیده بودم از توی کوچه و خیابون که رد می‌شدم مدام نگاه می‌کردن... مسخره می‌کردن، متلک می‌گفتن... این برخوردها روح و روان آدمو خراش میده» (آ.ک، ۲۱ ساله دانشجوی).
 «وضعیت یه طوری شده حتی دیگه همیشه به بچه‌های کوچیک هم چیزی بگی. به بدترین شکل ممکن هتاک و بی‌ادبی می‌کنن. تربیت ندارن دیگه، مثلاً دیروز چندتا پسر بچه با هم درگیر شده بودند من رفتم بهشون تذکر بدم. بالاخره این جزء رسالت ما فرهنگی‌هاست. هنوز لب از لب باز نکرده به بدترین شکل ممکن شروع به ناسزاگویی کردن» (ح.د، ۴۰ ساله معلم).

«تو فروشگاه‌های اینجا که واسه خرید میری، اغلب نگاه دزد بهت دارن تا مشتری! بخصوص اگه زن باشی. زیاد پیش اومده وقتی که وارد یه فروشگاه میشی یه نفرو سریع میفرستن تا مواظبت باشه. راحت بهت انگ میزنن. توی این شرایط اصلاً احساس خوبی ندارم» (پ.ن، ۳۶ ساله خانه‌دار).

مزاحمت‌های روانی به دلیل اینکه هزینه و ریسک کمتری برای کژرفتاران دارد و به دلیل گذرا بودن و گمنام ماندن افراد مزاحم و همچنین به دلیل عادی تلقی شدن آن در فضای عمومی و عدم پیامدهای آن‌چنانی برای فرد مزاحم، ترغیب بیشتری برای ایجاد اینگونه مزاحمت‌ها ایجاد می‌کند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۱). از سوی دیگر این‌گونه از کژ رفتاری

بدون در نظر گرفتن شأن و شخصیت اجتماعی زنان، احساس ناامنی روانی بیشتری را برای زنان در جامعه فراهم می‌کند.

۳) احساس ناامنی منزلتی

منزلت مفهومی فرآر است مع‌ذالک در روابط اجتماعی و نظام قشربندی نقش اساسی ایفا می‌کند. منزلت با پرستیژ یا مفاهیمی نظیر شهرت، اعتبار، حیثیت، آبرو، نفوذ، تأیید اجتماعی، عزت و احترام هم خانواده است. رایج‌ترین تظاهر رفتاری آن در بُعد اجتماعی تعامل، در مناسک سلوکی و احترام آمیز قابل ردیابی است؛ مثل عرض سلام و تعارف، اما تجلی رفتاری آن در ابعاد دیگر تعامل به اشکالی مانند کمک کردن، خدمت و حتی ایثار قابل تصور است. منزلت اجتماعی از نوع منابع اظهاری است و گرچه نسبتاً محدود است لکن ارزشمند است چرا که هر کسی مایل به داشتن آن است (چلبی، ۱۳۹۱: ۱۸۸). احساس ناامنی منزلتی در زمانی که خطر لطمه دیدن آبرو و اعتبار اجتماعی یا محروم شدن از فرصت یاری و کمک دیگران متصور باشد رخ می‌دهد.

«از وقتی که شوهرم زندان افتاد دیگه آبرویی برای ما نمونده. همه از ما رویگردان شدن، دیگه هیچ‌کسی حالی از ما نمی‌پرسه، اصلاً برانشون مهم نیست که ما چطور زندگی می‌کنیم حتی فامیلامون... اینجا محیط کوچیکه همه همدیگرو میشناسن خبرا زود می‌پیچه» (م.ع. ۴۱ ساله خانه‌دار).

«شغل من ایجاب می‌کنه که به جاهای مختلف محل برم. دو سه باری که به خاطر کارم به یکی از محله‌های پرت و تقریباً بدنام رفته بودم، اسمم افتاده بود تو دهن مردم که این زنه، آبروی خانوادشو برده» (ع.ع. ۳۵ ساله شاغل).

«به خاطر این محل آبروم رفته توی محل کارم. هر وقت که میخام پیشرفت کنم یا ارتقاء بگیرم این قضیه یه جورایی مانع میشه... روم نمیشه بگم اهل این محله‌ام» (ش.ر. ۴۱ ساله کارمند).

منزلت یک ملاک مهم قضاوت اجتماعی است. بنابراین فقدان یا ترس از فقدان منزلت و اعتبار اجتماعی در دیدگاه دیگران از نگاه سوژه منجر به احساس ناامنی منزلتی خواهد شد.

۴) احساس ناامنی اخلاقی

اخلاق مفهومی است که در متن روابط اجتماعی خاص معنا پیدا می‌کند. اصول اخلاقی در هر جامعه‌ای بر مبنای ارزش‌های تاریخی و برخی از باورها و سنت‌های موروثی متفاوت است

(میرسپاسی، ۱۳۸۸: ۳۶). اخلاق اجتماعی به‌طور کلی دارای دو پایه مهم است. یکی پایه نظری اخلاق است که از قواعد نظری اخلاق تشکیل می‌شود؛ یعنی قواعد دستوری و فرمان‌هایی مربوط به حقوق و تکالیف در زمینه‌ای خاص و پایه دیگر اخلاق عملی است. این پایه را احساس تعهد و مسئولیت کنشگران اجتماعی می‌سازد (چلبی، ۱۳۹۱: ۲۷۹).

احساس ناامنی اخلاقی مربوط به سست شدن پایه‌های اخلاق نظری و عملی می‌شود. رواج افکار مخرب و منفی و شکسته شدن حریم‌ها و حرمت‌ها در متن روابط اجتماعی دو نمونه از مصادیق احساس ناامنی اخلاقی در دیدگاه زنان حاشیه‌نشین است.

«از اینکه می‌بینم هر روز حریم‌ها بیشتر شکسته میشه اخلاق نادیده گرفته میشه و مردم حقوق همدیگرو رعایت نمی‌کنن افسوس می‌خورم و باعث میشه بیشتر احساس ناامنی کنم» (ف.ب ۵۵ ساله خانه‌دار).

«با کوچک‌ترین اشتباهی مردم درباره‌ات بد فکر می‌کنن. زود قضاوت می‌کنن و حکم صادر می‌کنن. زندگی با اینجور آدم‌ها یعنی عین نگرانی و ناامنی» (ا.ج ۲۹ ساله دانشجوی).

ب) زمینه‌ها و علل اجتماعی احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین شهری

در راستای پاسخ به پرسش «زمینه‌ها و علل اجتماعی احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین شهری چیست؟» از خلال روایت‌های بررسی شده زنان به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد.

اول: علل اجتماعی احساس ناامنی در زنان حاشیه‌نشین شهری

از جمع‌بندی روایت‌ها پیرامون علل احساس ناامنی ۱۲ کلیدواژه در ذهن مشارکت‌کنندگان (کد باز) حاصل شده است. براین اساس علل احساس ناامنی: فقدان اعتماد اجتماعی، قوم‌گرایی شدید و بیگانه‌ستیزی، عدم تعادل روانی، عقده‌های جنسی و مشکلات شخصیتی بعضی از مردان، رفتارهای ناسنجیده، فقر و کمبود منابع اقتصادی، عدم ایجاد فرصت‌های شغلی، کمبود امکانات فرهنگی و رفاهی، فقدان حمایت اجتماعی لازم، خرده‌فرهنگ عشیره‌ای.

جدول ۲. علل احساس ناامنی زنان

مقوله هسته‌ای	مقوله‌ها	فراوانی	تقلیل مفاهیم متمرکز
اختلال در نظام شخصیت	اجتماعی شدن ناقص	۱۰ مرتبه	عدم تعادل روانی
		۱۴ مرتبه	مشکلات شخصیتی
		۱۷ مرتبه	عقده‌های جنسی
		۱۹ مرتبه	رفتارهای ناسنجیده

ادامه جدول ۲. علل احساس ناامنی زنان

مقوله هسته‌ای	مقوله‌ها	فراوانی	تقلیل مفاهیم متمرکز
اختلال توزیعی	نابرابری فضایی	۳۱ مرتبه	فقر و کمبود منابع اقتصادی
		۲۹ مرتبه	عدم ایجاد فرصت‌های شغلی
		۲۷ مرتبه	کمبود امکانات فرهنگی و رفاهی
		۲۴ مرتبه	فقدان حمایت اجتماعی لازم
اختلال نمادی	انگاره‌های نامناسب فرهنگی	۲۶ مرتبه	فقدان اعتماد اجتماعی
		۲۲ مرتبه	قوم‌گرایی شدید
		۱۶ مرتبه	بیگانه‌ستیزی
		۱۲ مرتبه	خرده‌فرهنگ قومی

(۱) اجتماعی شدن ناقص

با توجه به نظریه مید «خود» در خلال فراگرد اجتماعی شدن ظهور می‌کند و محصول رابطه من و در من است، اما در جوامعی که جنسیت فرد ارزشمند است و بر پایه این ارزشمندی، نابرابری و تبعیض‌های جنسیتی موج می‌زند، خود، به‌درستی شکل نمی‌گیرد. در این بین مردانی که من فاعلی قویتری دارند، زمینه را برای سرکوب من فاعلی زنان را مهیا می‌بینند (مکتوبیان و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶۰). واکنش زنان به این موارد چنین بیان شده است:

«مردان توی فرهنگ ما اصلاً خوب تربیت نمیشن، هر کاری بخوان می تونن انجام بدن. هر رفتار ناپسندی هم انجام بدن کسی نمیتونه بهشون چیزی بگه» (م.ص ۳۲ ساله خانه‌دار).
 «بیشتر این جوانایی که مزاحم میشن، بیمار روانی هستن. عقده جنسی دارن» (ن.ک ۲۷ ساله دانشجو).

(۲) نابرابری فضایی

توزیع نابرابر فرصت‌ها و مواضع اجتماعی در فضاهای اجتماعی است. از مهم‌ترین مصادیق این نابرابری شکاف بین رفاه شهر و حاشیه شهر است.

«فقر با خودش بدبختی میاره، ناامنی میاره، بی‌دینی میاره. وقتی یه جوون کار نداره، میخواد ازدواج کنه پول نداره، همه ازش توقع دارن، رو به کارای خلاف میاره دیگه. اینجوریه که ناامنی میشه» (س.م ۵۷ ساله خانه‌دار).
 «همه مشکلات ما در درجه اول ناشی از بیکاری و مشکلات اقتصادی. خرج و مخارج زندگی اینقد سنگین شده که هر کسی میخاد به هر شکلی پول دربیاره. دیگه براش مهم نیس،

دزدی باشه، قاچاق فروشی باشه، خودفروشی باشه یا هر کار دیگه‌ای» (ش.ط ۴۴ ساله شاغل).

«هیچگونه امکاناتی به این محله تعلق نمی‌گیره. نه فضای آموزشی بیشتری، نه فضای سبز، نه پاسگاه پلیس. هیچ. خوب این‌ها همه عامل ناامنی» (ت.ب ۳۱ ساله خانه‌دار).

۳) انگاره‌های نامناسب فرهنگی

تکثیر سریع خرده‌فرهنگ‌های مختلف در محیط اجتماعی یکی از شرایط بالقوه اختلال نمادی است (چلبی، ۱۳۹۱: ۱۳۸). به عبارت دیگر اگر [اجتماعی] حائز شرایط جمعیت انبوه، خرده‌فرهنگ‌های متنوع، محیط با غلظت نمادی بالا و عدم ارتباطات بین گروهی باشد در آن صورت ماکسیمالیست بودن فرهنگ (قواعد زیاد و متنوع فرهنگی) به یک عامل انشقاقی و تفرقه ارزشی تبدیل می‌گردد (همان: ۱۳۹-۱۴۰). سکونتگاه‌های حاشیه‌ای به دلیل جمعیت تقریباً متراکم با خرده‌فرهنگ‌های قومی و عشیره‌ای که نسبت به فرهنگ رسمی شهری تا حد زیادی مقاومت می‌کنند. به‌همراه عدم ارتباطات با افراد بیگانه و غیر هم‌زبان زمینه را برای انگاره‌های نامناسب فرهنگی فراهم می‌کنند.

«اینجا اهالی فقط به هم‌زبان و هم‌شهری خود خونه اجاره میدن. اگر از قوم دیگه‌ای باشی ممکن نیست بهت اعتماد کنن و خونه بدن» (ح.ص ۳۵ ساله خانه‌دار).

«تو این محل دو سه گروه قومی بزرگ وجود داره که هر کدومشون هم فقط با خودشون روابط دارن و هیچ کدومشون هم به دیگری اعتماد نمی‌کنن... تازه در خیلی از موارد هم‌شهری‌ها به همدیگر کمک می‌کنن تا قانون رو دور بزنن» (ح.د ۴۰ ساله معلم).

دوم: زمینه‌های احساس ناامنی در زنان حاشیه‌نشین شهری

پس از بررسی به ۷ گد باز به وجود آمد: وجود ولگردها، معتادها در محل، فضای متروک و بی‌نظم محله، کوچه‌های تنگ و باریک، فقدان روشنایی مناسب در شب، فقدان نهادهای نظارتی و امنیتی مثل پلیس، نوع پوشش و آرایش زنان و عدم رعایت حجاب.

جدول ۳. زمینه‌های احساس ناامنی زنان

مقوله هسته‌ای	مقوله‌ها	فراوانی	تقلیل مفاهیم متمرکز
عدم خوانایی فضا	مضایق فضایی بافت حاشیه‌ای	۲۷ مرتبه	وجود ولگردها، معتادها در محل
		۲۰ مرتبه	فضای متروک و بی‌نظم محله
		۱۶ مرتبه	کوچه‌های تنگ و باریک
		۱۹ مرتبه	فقدان روشنایی مناسب در شب
		۳۰ مرتبه	فقدان نهادهای نظارتی و امنیتی
شی‌ءوارگی بدن زنانه	بازنمایی خود	۱۱ مرتبه	نوع پوشش و آرایش
		۹ مرتبه	عدم رعایت حجاب

(۱) مضایق فضایی بافت حاشیه‌ای

کوپین لینچ معتقد است، فضا فعالیت را پیشنهاد و همین‌طور آن را محدود می‌کند، بنابراین محیط باید مطلوب بوده و از نظر کالبدی امن باشد. یکی از اساسی‌ترین مفاهیم لینچ مفهوم «خوانایی» در فضای شهری است. به عقیده وی خوانایی سبب می‌شود که به آسانی اجزاء شهری را بتوان شناخت و آن‌ها را در ذهن، در قالبی به هم پیوسته به یکدیگر ارتباط داد. این درک از فضا به افراد کمک می‌کند تا خود را در فضا بازیافته و در آن احساس ایمنی کنند (نائبی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۳). در فضای حاشیه شهری که ویژگی کالبدی و فعالیت‌های جاری در آن بی‌هویت و بی‌نظم است، فرصت‌های نظارتی محدود، تصاویر شفاف و پیوستگی فضا در آن وجود ندارد زمین‌های بروز ناامنی بیشتر است.

«زمین‌های خالی این منطقه پاتوق همه معتادها و اوباش شده. توی هر کوچه و خیابونی که رد بشی می‌تونی اونها رو ببینی که دارن تزریق می‌کنن و مواد می‌زنن» (ت.ب ۳۱ ساله خانه‌دار).

«بعد از غروب دل شیر میخاد به زن از توی این کوچه‌ها رد بشه. تاریک و پر از ترس» (ز.ش ۲۸ ساله خانه‌دار).

«پاسگاه پلیس ثابتی تو این نزدیکی‌ها وجود نداره که بریم گزارش بدیم.. فقط بعضی موقع‌ها گذری میان رد میشن» (آ.س ۳۹ ساله شاغل).

۲) بازنمایی خود

فضاهای عمومی همواره قلمروی بازنمایی جسمی و نمادین افراد در حضور دیگری بوده است. بازنمایی بدن به مثابه امری مسرت بخش (در تجربه برخی از زنان) باعث القای حس ناامنی هم در آن‌ها می‌شود.

«اگه یه کم آرایش داشته باشی یا تیپ بزنی، سریع تو چشم میای، بهت زل می‌زنن، با نگاهشون تعقیبت می‌کنن، گاهی وقتها متلک می‌اندازن و...» (ا.ج ۲۹ ساله دانشجو).

"رعایت حجاب همه جا مهمه ولی اینجا خیلی بیشتر. چون تو قضاوت مردم و ایجاد مزاحمت برای زن‌ها خیلی مؤثره" (ر.خ ۳۷ ساله شاغل).

ج) پیامدهای احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین شهری

در پاسخ به پرسش «پیامدهای احساس ناامنی چه می‌تواند باشد؟» از خلال روایت‌ها ۹ مورد کد باز حاصل شد: ترس، اضطراب، بی‌اعتمادی، انگشت‌نما شدن، احساس تنهایی، طرد، احساس محدودیت، سوءظن و حس تنفر.

جدول ۴. پیامدهای احساس ناامنی زنان

مقوله هسته‌ای	مقوله‌ها	فراوانی	تقلیل مفاهیم متمرکز
فرسایش	زوال اعتماد	۲۳ مرتبه	ترس
		۳۱ مرتبه	اضطراب
		۲۸ مرتبه	بی‌اعتمادی
		۱۱ مرتبه	انگشت‌نما شدن
		۹ مرتبه	سوءظن
		۱۸ مرتبه	تنفر
	انزوای اجتماعی	۱۱ مرتبه	احساس تنهایی
		۶ مرتبه	طرد
		۸ مرتبه	احساس محدودیت

۱) زوال اعتماد

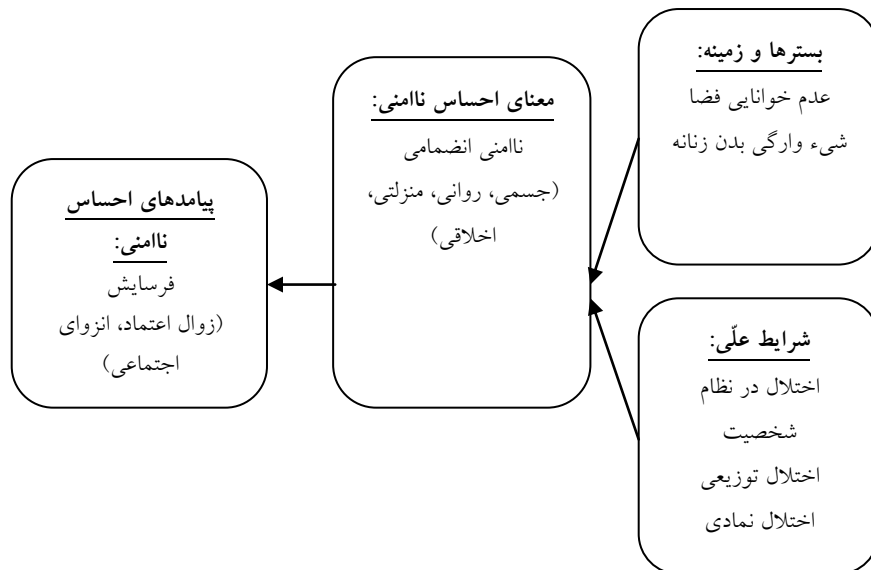
یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی احساس ناامنی، تضعیف اعتماد در بین مردم و در سطح وسیع‌تر کاهش سرمایه اجتماعی است.

«بعد از اتفاق توی پارک، همیشه ترس و اضطراب دارم...یه جورایی از همه مردها متنفر شدم» (م. م ۲۴ ساله دانشجوی).
 «دیگه بعد از تاریک شدن هوا هیچ‌وقت تنها بیرون نمیرم... خیلی ترسناکه. هر موتوری که از کنارم رد میشه فکر می‌کنم دوباره میخاد بهم حمله کنه» (ر.ص ۵۰ ساله خانه‌دار).

۲) انزوای اجتماعی

از دیدگاه سیمن، انزوای اجتماعی واقعیتی است فکری که در آن فرد عدم تعلق و انفصال کامل را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند. همچنین یوریک معتقد است که انزوای اجتماعی به معنای عدم وجود پیوندهای اجتماعی در میان افراد است (چلبی، ۲۸۵:۱۳۹۰).
 «احساس ترس موجب شده که خیلی احساس محدودیت کنم، نمی‌توانم خودم به‌تنهایی جایی برم» (ب.ط ۳۶ ساله خانه‌دار).

براساس مقوله‌های هسته‌ای، مدل پارادایمی حاصل شده از روایت‌های مشارکت‌کنندگان ترسیم شده است. مدل پارادایمی این پژوهش در قالب شرایط (علی و زمینه‌ای)، معانی احساس ناامنی و پیامدهای آن تشکیل خواهد شد.



مدل پارادایمی احساس ناامنی براساس تجارب زیسته زنان حاشیه‌نشین شهری

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی واکاوی معنا، تجارب زیسته، بسترها، زمینه‌ها، علل و پیامدهای احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین شهری با بهره‌گیری از روش‌شناسی کیفی، متد نظریه مبنایی، ابزار مصاحبه نیمه‌ساخت یافته، رویکرد تفریدی از درک مشارکت‌کنندگان برآمد. یافته‌های پژوهش مؤید آن است که درک زنان از احساس ناامنی وابسته به مکان و زمان و دارای سطوح بهم پیوسته و مرتبط جسمی، روانی، منزلتی و اخلاقی که با نظریه نظم چلبی انطباق دارد. این احساس ریشه در مجموعه‌ای از بسترها و عوامل دارد که از آن جمله می‌توان به شرایط علی اختلال در نظام شخصیت (اجتماعی شدن ناقص مردان کژرفتار و عدم پیش‌بینی پذیری رفتار آن‌ها)، اختلال توزیعی (توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات در منطقه حاشیه شهری) و اختلال نمادی (انگاره‌های نامطلوب فرهنگی نظیر خرده‌فرهنگ‌های انحرافی، بیگانه‌ستیزی و قوم‌گرایی) اشاره کرد که نقش تعیین‌کننده در ایجاد احساس ناامنی زنان دارد.

همچنین مقوله‌های عدم خوانایی فضای شهری در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای و شیء‌وارگی بدن زنانه به‌عنوان شرایط و زمینه‌های تسهیل‌کننده احساس ناامنی زنانه است. وجود ولگردها، معتادها در محل، فضای متروک و بی‌نظم محله، کوچه‌های تنگ و باریک، فقدان روشنایی مناسب در شب، فقدان نهادهای نظارتی و امنیتی مثل پلیس همگی عناصر عدم خوانایی فضای شهری است که به همراه وضعیت پوشش و آرایش زنان به‌عنوان مؤلفه‌های مقوله بازنمایی خود عناصر تسهیل‌کننده احساس ناامنی زنانه به‌شمار می‌روند.

سرانجام اینکه احساس ناامنی زنان پیامدهای مختلفی دارد که مقوله‌های زوال اعتماد و انزوای اجتماعی بیانگر این پیامدها به‌شمار می‌روند.

یافته‌های این پژوهش با سایر تحقیقات مرتبط از جمله مطالعات تجربی ابادری و دیگران، ۱۳۸۷؛ قادرزاده و خزایی، ۱۳۹۳، محمدی و دیگران، ۱۳۹۵ از حیث وجود احساس ناامنی در زنان و پیامدهای آن مشترک است. در مورد طبقه‌بندی ابعاد این ناامنی و شرایط علی و زمینه‌های آن با پژوهش‌های تجربی تفاوت دارد. این امر تاحدی به دلیل آن است که زمینه بررسی اغلب تحقیقات در مورد ناامنی زنان مربوط به فضای عمومی شهرها یا کلانشهرها است که در آن روابط فرامحلی، زیرساخت‌های و فرهنگ مسلط شهری جافتاده‌اند و نوع درک، احساسات و تجارب زنان بیشتر به سوی امور فرامادی سوق دارد. در حالیکه در حاشیه

شهرها برعکس به دلیل روابط محدود سوژه‌ها، مضایق امکانات مادی و رواج خرده‌فرهنگ‌های قومی و عشیره‌ای، شرایط علی و زمینه‌ای بیشتر تابع امور ابتدایی مادی و ساختاری است. احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین شهری بیشتر از نوع تهدیدات جانی و جسمی است برخلاف کلانشهرها که احساس ناامنی زنان بیشتر از نوع روانی یا منزلتی است. البته همچنانکه مقوله هسته‌ای معنای احساس ناامنی با عنوان ناامنی انضمامی نشان می‌دهد احساس ناامنی جسمی و جانی در خود گونه‌های دیگر ناامنی (روانی، منزلتی و اخلاقی) را هم در بر می‌گیرد. بنابراین تجارب زیسته زنان حاشیه‌نشین شهری از ناامنی بازتاب محیط محروم و شرایط فضایی حاکم بر آن است.

پیشنهادهات

- ۱- برنامه‌ریزی و تلاش برای کاهش مهاجرت‌های روستایی به تهران و شهرستان‌های اطراف تهران که از جمله عوامل مهم در ایجاد حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن است.
- ۲- به رسمیت شناختن حقوق شهروندی بویژه زنان ساکنان مناطق حاشیه‌نشین در برنامه‌ریزی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، انتظامی و کالبدی و توزیع امکانات و فرصت‌های محیطی به منظور جلوگیری از وقوع شرایط علی احساس ناامنی.
- ۳- نظارت و ساماندهی شهری و خدمات شهری مناطق حاشیه‌ای جنوب شهرستان شهریار.
- ۴- تلاش برای افزایش آگاهی‌بخشی به زنان حاشیه‌نشین شهری در راستای تشخیص شرایط و بسترهای مخاطره‌آمیز امنیت محیطی.
- ۵- تقویت حمایت‌های اجتماعی و قانونی برای زنان آسیب‌دیده و قربانی ناامنی در مناطق حاشیه شهری.

منابع

- ابادری. یوسف، صادقی فسایی. سهیلا و حمیدی. نفیسه (۱۳۸۷)، احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، صص ۷۵-۱۰۳.
- احمدی. محمد، کلدی. علیرضا (۱۳۹۲)، احساس امنیت اجتماعی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: شهر سنندج، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۴۹، صص ۳۰۵-۳۲۱.
- اعظم آزاده. منصوره، دهقان فرد. راضیه (۱۳۸۵)، خشونت علیه زنان در تهران: نقش جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و روابط خانوادگی، پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، صص ۱۵۹-۱۷۹.
- بهرامی. رحمت ا... (۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی مطالعه موردی شهر سنندج، مسکن و محیط روستا، دوره ۲۸، شماره ۱۲۶، صص ۵۸-۷۱.
- چلبی. مسعود (۱۳۹۰)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشرنی، چاپ دوم.
- چلبی. مسعود (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی نظم. تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشرنی، چاپ ششم.
- حاتمی‌علی، احمدی. بختیار و اسمعیلی. عطاء (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مرتبط با میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان مطالعه موردی زنان شهر کرمانشاه، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماع، سال چهارم، شماره سوم، صص ۱۰۳-۱۲۱.
- دانایی فرد. حسن، مظفری. زینب (۱۳۸۷)، ارتقاء روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت، دوره اول، شماره یک، صص ۱۳۱-۱۶۲.
- ریتز. جرج (۱۳۹۲)، مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، تهران: نشر ثالث، چاپ دوم.
- ساروخانی. باقر، نویدنیا. منیژه (۱۳۸۵)، امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت؛ در تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۸۷-۱۰۶.
- صادقی فسایی. سهیلا، آهنگر سله‌بنی. اعظم، دانش. پروانه و قاضی نژاد مریم (۱۳۹۲)، درک و تصور زنان از قربانی شدن (مطالعه کیفی در شهر تهران)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۲، شماره ۳، صص ۳۹۳-۴۱۲.

- صالحی امیری. سیدرضا، خدائی. زهرا (۱۳۸۹)، ویژگی‌ها و پیامدهای اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی شهری نمونه موردی: کلانشهر تهران. بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول. شماره سوم. صص ۶۵-۸۰.
- فاضلیان. پوراندخت (۱۳۸۹)، بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران، پژوهشنامه زنان، سال اول. شماره دوم. صص ۶۵-۸۶.
- فلیک. اووه (۱۳۹۲)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی، چاپ ششم.
- قادرزاده. امید، خزایی. سارا (۱۳۹۳)، مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲. شماره ۳. صص ۴۰۵-۴۲۴.
- محمدی. جمال، جهانگیری. امید و پاکدامن. یوسف (۱۳۹۵)، تجربه احساس ناامنی زنان در فضای شهری، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال ۱۷. شماره ۳۳. صص ۷-۳۰.
- مکتوبیان. مریم، قاسمی. وحید، هاشمیان فر. سید علی (۱۳۹۴)، بیان مدلی داده‌بنیاد برای بررسی جامعه‌شناختی آزار جنسی و احساس ناامنی زنان در بیمارستان‌ها، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶. شماره ۱. صص ۱۵۱-۱۹۲.
- میرزایی. خدیجه، وکیلیان. کتابون و حاجیان. سپیده (۱۳۸۹)، بررسی میزان خشونت خانگی از نوع روانی در زنان شاغل و خانه‌دار شهر شاهرود و ارتباط خشونت روانی با برخی از مشخصات دموگرافیک در سال ۱۳۸۸، پزشکی قانونی، دوره ۱۶. شماره ۴. صص ۲۷۷-۲۸۳.
- میرسپاسی. علی (۱۳۸۸)، اخلاق در حوزه عمومی؛ تاملاتی در باب ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک، تهران: نشر ثالث.
- نائبی. هوشنگ، صدیق سروستانی. رحمت ا... و قهرمانی. سهراب (۱۳۸۸)، نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در رفتارهای خشونت‌آمیز، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۱۳. شماره ۱. صص ۱۹۹-۲۳۱.
- نائبی. هوشنگ، خادمی. علی، رشنودی. بهزاد و امیری. رقیه (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر تهران، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال ۷. شماره ۲. صص ۲۵-۵۴.
- نقدی. اسدا...، صادقی. رسول (۱۳۸۵)، حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (با تأکید بر شهر همدان)، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۵. شماره ۲۰. صص ۱۲۹-۱۵۹.
- نوروزی. فیض اله، فولادی سپر. سارا (۱۳۸۸)، بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال ۱۸. شماره ۵۳. صص ۲۱۳-۲۳۳.

- هاشمیان فر. سید علی، سادات کشاورز. زهرا (۱۳۹۱)، بررسی جامعه‌شناختی گستره احساس امنیت اجتماعی در شهر اصفهان، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول. شماره ۳. صص ۳۹-۶۲.
- Hutta. J.S (2009), Geographies of Geborgenheit: beyond feelings of safety and the fear of crime, *Environment and Planning D: Society and Space*, V 27. PP: 251-273.
 - Macmillan. R, Nierobisz. A, Welsh. S (2000), Experiencing the streets: harassment and perceptions of safety among women, *Journal of Research in crime and delinquency*, Sage pub, Inc, V 37. No 3. PP: 306-322.
 - Timperio. A, Veitch. J, Carver. A (2015), Safety in numbers: Does perceived safety mediate associations between the neighborhood social environment and physical activity among women living in disadvantaged neighborhoods?, *Preventive Medicine*, Elsevier pub, Inc. PP: 1-6.